

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۴/۲۷

مصطفی عمرزی

نمایشگاه توهین، تحقیر و تبعیض



پذیرش این حقیقت که در چهل سال جنگ، جاذبه زنده گی در افغانستان کاهش یافته است، بدون نیاز به اعتراف، به ثبوت نتیجه جنگ می رسد. روایت تاریخی افغانستان معاصر، واضح می سازد که به رغم دشواری های قرن نوزده، ارتجاع داخلی و نبود امکانات کافی مالی، اما تا ارتجاع دوم، سهم ما در دارائی ها و خدمات بشری کمتر نبوده است. کشور های آسیای میانه با اتحاد شوروی، ایران با نفت و پاکستان با آغاز بازی های شوم جنگ سرد در افغانستان، جلوتر می افتند.

پخش گزارش و اخبار مردمان آسیب دیده، جامعه جنگ زده، ویرانی ها و غم ها، سرزمین ما را به منبع خوب تولیدی در آورده تا در تمثالی از جهان سوم، انعکاس این جا، به صراحت فقر و ناداری برسد. تجربه، ثابت کرده است که نوع دیدگاه پست به کشور های جهان سوم، در برداشت تبعه کشور هائی که ثبات، رفاه و امنیت دارد، کل واقعیت ها را دور می زند و فقط دنبال سیاهی می گردد.

در بحران متداوم، سایه جنگ به رنگی می ماند که در دود و خاکستر، زنده گی می سازد. در این زنده گی، تکدر حال مردم، اگر به رنگ سیاه نباشد، در این سیاهه، حقیقت رنگ های دیگر کمرنگ می نمایند. اجندا های گوناگون خارجی، تجربه ای بیشتر از نیازی شد که در نمونه ای به نام رسانه ها می شناسیم. در این بنگاه و دستگاه، آن قدر به بزرگ نمائی مصایب، انعکاس جنگ و منفی بافی مشغول شدند که بالاخره در میان سیاهی ها، به کشف آلوده گی های دیگری نایل آیند که گویا ناشناخته مانده بودند.

نمونه سیاسی حکومت که به یقین با فشار خارجی به این شکل درآمده است، روایت جدیدی از بحث تقابل و ستیز قومی یافت که هرچند با ظهور مکتب های افغان ستیز (ستمی گری) بی پیشینه نیستند، اما نه آن قدر بزرگ بودند که رسانه بی کردند.

تحلیل و تفسیر دلخواه از شرایط که اغراض مختلف در آن ها نهفته بود، مثال افغانستان را در مجموعه کشور های همسایه، به نمونه ای مبدل می کند که از لحاظ پخش خیر، تاثیرات سوء برداشت، به حدی برسد که مردم با دریافت دوباره آن چه از آنان گزارش و خبر ساخته اند، به باور های «بهتر» در مورد همسایه گان برسند.

چنان چه آوردم، رونق تصنعی کشور های همسایه، مردم ما را در ناتوانی وسیله ای که باید برای آنان تفهیم می کرد (دستگاه مطبوعاتی بی داخلی) به این باور دچار کرده است تا در هرج و مرج بحران و جنگ، تحت تاثیر قرار بگیرند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

و اما دهکده کوچک جهان، تعریف روگار ما در مسابلی ست که چه گونه با انکشاف تکنالوژی، دسترسی به همه جا، مشکل نیست. افزون بر تجربه مهاجرت های تلخ در کشور های همسایه، واقعیت های محدودیت ارضی، نبود راه امن و مطمئن برای فروش امتعه همسایه و حقیقت این که افغانستان نا امن به نفع هیچ کشوری نیست، به این هدف کمک می کند تا با آشکارایی بر ضعف های آشکار کشور های ظاهراً آرام همجوار، وارد مدخل دیگری شویم که تعریف اقوام و مردمان آن جاست. به یقین که پرداختن در این گستره، هرگز در حد چنین تجربیات (نوشته ها) نیست، اما ذهنیت سازی ها می توانند مدخل هایی باشند تا پس از دریافت آگاهی، فرهنگ سازی مقاوم در برابر تهاجم فرهنگی و رسانه یی بیگانه، کمک کند مشکلات کشور های نزدیک، نه فقط در محدوده های ظاهراً آرام خلاصه می شوند، بل التهاب قومی، حقیقت دیگری ست که چه گونه مردمان آن ها در تعریف صد ها قوم، می توانند روی سرنوشت کشور هایی تاثیر بگذارند که اگر در افغانستان مشغول اند، بیشتر بر اثر ضعف های ماست .

نمونه ایران با توانایی های مالی و مجموعه حاکم، هیولایی خوانده می شود که از باب شناخت پدیده سیاسی- فرهنگی (فارسسیم)، گویا این جا (افغانستان) گستره ای ست که به نام فرهنگ، هرگز از دست نمی دهند؛ اما آیا این کشور، توان جذب ظرفیت های بشری اطراف اش را دارد؟

در این مقال، مجموعه ای را معرفی می کنم که پاسخ می دهد، معضل حاد اجتماعی، قومی، سیاسی و فکری در نمونه ایران، از مرز هایی گذشته است که وقتی اخبار توهینات گسترده قومی به نام فارس، عرب، ترک و کرد را دریافت می کنیم، باید شکرگزار باشیم که اگر مجموعه دست اندرکار رسانه یی و حزبی وابسته نباشد، افغانستان جنگ زده و درگیر چهل سال بحران، هنوز هم آن قدر مطهر مانده است که محال است کسانی از بدترین پشتون ستیزان، تاجیک ستیزان، هزاره ستیزان و امثالهم، آن قدر جرأت کنند تا در اجتماعات علنی، بر ضد قوم یا مردمی شعار دهند یا زشت بگویند .

در زیر، مجموعه ای از صد ها سند و ویدیوی را گزیده ام که نشان می دهد، حتی همین هیولای بلعیدن سیاسی و فرهنگی در منطقه (ایران)، به اندازه ای دچار عفونت اجتماعی است که وقتی هزاران عرب، ترک، فارس و... به همدیگر در روز روشن فحش می دهند، دگر ستیزی رسمی است (نپذیرفتن فرهنگ و زبان اقوام) و یک ایرانی وقتی از ایران خارج می شود (نمونه ویدیوی یک دختر ناراض ایرانی)، جمع آن چه میلیون ها افغان از این کشور یافته اند، ثابت می کنند که بلی، جغرافیای جهان سوم، خیلی بزرگ است .

اسناد تصویری زیر، بهتر از هزاران کتاب، تفسیر و تحلیل کمک می کنند که اگر فرزندان ناخلف ما به ما خیانت می کنند، «حقایق» کمک می کنند خیانت به تمامیت ارضی و بشری این کشور، آیه ی یاس برای کسانی باشد که خودشان را در فرهنگ و هویت بیگانه تحلیل و وزن کرده اند .

نمایشگاهی از نارضایتی، توهین، تحقیر، تبعیض، ستیز و تقابل قومی در ایران را در چند نمونه ای که از میان صد ها برگزیده ام، مشاهده کنید!

[دختر ناراض ایرانی: \(یوتیوب\)](#)

[اخذ فاشیست: \(یوتیوب\)](#)

[شعار مرگ بر فارس در اهواز:](#)

[شعار مرگ بر فارس در سندپیوم آزادی:](#)

[شعار مرگ بر فارس در تیریز و اورومیه:](#)

[شعار خلیج عربی و مرگ بر فارس:](#)

[شعار خلیج عربی:](#)

[شعار خلیج عربی ۲:](#)

[شعار عرب! گمشو بیرون:](#)

[آخوند فاشیست: کرد ها جن استند!:](#)

[توهین زشت به اعراب:](#)

[شعار مرگ بر ترک:](#)

انتخاب این مجموعه به دوستانی کمک می کند که پس از مشاهده حقایق، شاید در عدم آگاهی یا نبود منابعی که شناخت آن ها در میان افغانان هنوز به گسترده گی میسر نیست، نتوانند از عهده درک خوب واقیعت هایی برآیند که هرچند در ویدیو های بالا صراحت دارند، اما برای اکثریت ناآشنا از فهم بنیانی مُعضلات در کشور های همسایه، در حد رویداد های خبری نیز تلقی می شوند.

شرح تصاویر:

مجموعه ای از نما هایی که شدت و خط کشی سیاسی- قومی را نشان می دهد. در این میان، چوکات سرخ دور یک متن که گزیده ای از «دو هفته نامه سایین کالا» است (شماره ۳۳، صفحه ۹ - چاپ ایران)، ترکان ایران را یاجوج و ماجوج دانسته اند. چنین عصبیت و نفرت قومی، اگر خاص ایران نباشد، کمتر دیده شده است. ترکان و اعراب، اصیل ترین مردمان ایران به شمار می روند. تمدن های چند هزار ساله ی منسوب به این اقوام در ایران، شناخته تر از آن اند که یک فاشیست تات یا فارس، بتواند با توهین آنان، اصلیت خودش را مخفی کند.



جلال آل احمد:

تمام کوشش های حکومت های ایران نه تنها بر محدود کردن، که بر محو کردن زبان ترکی است. **آن را آذری نامیدند**، زبان تحمیلی نامیدند، اما هنوز که هنوز است کوچکترین موفقیتی در از بین بردن زبان ترکی نداشته ایم